



نشریه سیاسی دانشجویی دید نو
ویژه نامه بررسی مجلس شورای اسلامی
شماره سی و چهارم



انجمن اسلامی دانشجویان
دانشگاه شهید بهشتی
(عضو دفتر تحکیم وحدت)



طرفدار
عدالت

فهرست :

۴..... وحدت ولایی انتخاب عقلایی

۵..... راه های بی نماینده

۷..... نظارت ناکارآمد بر قوه ی ناظر

۱۰..... حلقه ی مفقوده ی نظام مردم سالار

۱۳..... شفافیت حق مسلم ماست!

۱۴..... رویای استکبار ستیزی



سرسخت
درمقابل
دشمن



دارای روحیه
جهادی



انقلابی و وفادار
به انقلاب



وفادار به
اسلام



وفادار به مردم
و کشور



دکتر ف

نشریه ی سیاسی دانشجویی دیدنو

ویژه نامه ی بررسی مجلس شورای اسلامی

مدیرمسول : احسان رشید

سردبیر : زینب السادات قریشی محمدی

هیئت تحریریه :

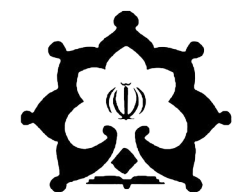
زینب السادات قریشی محمدی ، سارا عاقلی ،
اسماعیل کوهی مقدم ، مهدی خطیب دماوندی ،
فاطمه ریاحی

طرح جلد : لیلا سادات فاطمی

صفحه آرا : محمد مهدی مظاهری

ویراستاری :

زینب السادات قریشی محمدی



صاحب امتیاز:

انجمن اسلامی دانشجویان
دانشگاه شهید بهشتی
(عضو دفتر تحکیم وحدت)

وحدت ولای انتخاب عقلایی

سخن سر دیر

او که سلطان شعرها و واژه هاست

فکری قوی ، برای هر چه بهتر جامعه ی عمل پوشاندن به این وصایا گام برداریم و در این مسیر از هیچ کمکی برای سرافرازی و تحقق بخشیدن به آرمان های امام راحل و در پی آن رهبر معظم انقلاب ، دریغ نورزیم . امید است در انتخابات پیش رو نیز ، با انتخاب صحیح خویش و در نتیجه روی کار آمدن افراد مومن متعهد انقلابی ، نقشی موثر در پیشبرد هر چه بهتر و سریع تر اهداف جمهوری اسلامی و کشور عزیزمان ایران داشته باشیم .

عرض سلام و ادب خدمت همراهان همیشگی نشریه سیاسی دانشجویی دیدنو . به لطف و عنایت خداوند متعال و همکاری بی دریغ تمامی دوستان و نویسندگان هیئت تحریریه ی نشریه ، توانستیم ویژه نامه ی یازدهمین دور انتخابات مجلس شورای اسلامی را برای شما عزیزان آماده سازیم و از این بابت بسیار خرسندیم . ویژه نامه مذکور در حد توان خویش به بررسی ابعاد مهمی از انتخابات مجلس شورای اسلامی پرداخته که امید است ، مورد توجه دیدگان شما عزیزان قرار گیرد . همواره پذیرای انتقادات و پیشنهادات شما ، پیرامون نشریه ، برای بهبود هر چه بیشتر در روند آماده سازی آن هستیم .

این ویژه نامه به عنوان آخرین شماره از سردبیری اینجانب در نشریه ی دیدنو ، تقدیم نگاه های تیزبین و دقیق شما خواهد شد ، امیدوارم که در این چند شماره ای که بنده ی حقیر سردبیری نشریه را بر عهده داشته ام ، توانسته باشم به بهترین نحو ممکن عمل کرده و دین خود را ادا کرده باشم ، چرا که گویند : پایان سخن به که چه باشد / امید آنکه کند حلب رضایت

در پایان از تمام کسانی که همواره موجب دلگرمی ما بوده و ما را یاری کرده اند ، علی الخصوص تیم هیئت تحریریه و طراحان گرامی که در این چند صباح ، کمال همراهی را با نشریه داشته اند ، کمال تشکر و قدر دانی را دارم .

شکر که این نامه به عنوان رسید

پیشتر از عمر به پایان رسید

رای های بی نماینده

سارا عاقلی
(کارشناسی ارشد علوم سیاسی)

شاید باورش دشوار باشد؛ تصویر شهروندانی که پای صندوق های رای حاضر می شوند و در انتخابات مشارکت می کنند اما صاحب نماینده و کرسی در مجلس نمی شوند؛ در واقع در هر انتخابات به سان بازی فوتبال ما یک طیف برنده و یک طیف بازنده داریم؛ شاید برد و باخت برای یک مسابقه و تفریح پذیرفته شده باشد ولی برای جایی مانند مجلس شورای اسلامی که قرار است تبلورمردم سالاری دینی و آرای مختلف مردمی باشد و هر دوره اش چهار سال به طول بیانجامد به هیچ عنوان منطقی نیست.

اما مشکل مجلس شورای اسلامی کجاست که به این برد و باخت می انجامد؟

اصلی ترین دلیل را باید در مدل برگزاری انتخابات جستجو کرد جایی که تعیین می کند چه کسانی و چگونه وارد ساختار پارلمانی کشور شوند؛ یک مثال می تواند به روشن تر شدن این ساختار کمک کند؛ در دوره دهم انتخابات مجلس شورای اسلامی؛ در شهر تهران ۶۰ درصد از ۱۰۰ درصد شرکت کنندگان در انتخابات به لیست منسوب به اصلاح طلبان رای دادند و ۴۰ درصد دیگر به لیست سی نفره اصولگران؛ اما ۶۰ درصد شرکت کنندگان صاحب ۱۰۰ درصد کرسی ها شدند و باقی شرکت کنندگان علی رغم اینکه ۴۰ درصد میزان مشارکت را رقم زده بودند؛ حتی یک کرسی نتوانستند به دست آورند.

آنچه در اینجا محل بحث است طیف بندی گروه های مختلف نیست کما اینکه در دوره های قبل بازنده این مدل انتخابات اصلاح طلبان بودند؛ در دوره هایی مانند انتخابات سال ۸۸، باخت اصلاح طلبان و احساس حذف شدن آن ها را به رفتارهای رادیکالی کشاند که می توان آن را یکی از پیامدهای مدل انتخاباتی فعلی دانست. مردم سالاری دینی الگوی نظری جمهوری اسلامی ایران است؛ بر طبق این نظریه حضور مردم در دو ساحت باید در نظام سیاسی متجلی شود در ابتدا با تلاش مردم برای شکل گیری یک نظام سیاسی به این صورت که اعضای جامعه با به اشتراک گذاشتن اقتدار خود، اقتداری جمعی را به حاکمیت نوپا هبه کنند که انقلاب اسلامی جلوه ی این مرحله از مردم سالاری دینی بود که تغییر حکومت را به دست مردم رقم زد.

اما بر طبق این نظریه، پس از تشکیل حکومت، مردم همچنان باید بتوانند در مسائل مختلف مشارکت داشته و نظرشان موثر واقع شود که این مشارکت خود ساحت های گوناگونی را در برمی گیرد؛ از مرحله انتخاب مسئولین گرفته تا مشارکت در سیاست گذاری ها و تاثیر بر تصمیم مسئولین از طریق ساختارهای مردم نهاد مانند حزب و NGO ها و پس از آن در مرحله آخر امکان نقد و بیان اعتراض نسبت به اقدامات انجام شده از سمت مسئولین باید برای مردم وجود داشته باشد.

نیم نگاهی به قوانین و ساختارهای مردمی ما را متوجه



ANA PHOTO Ali Haddadi Asl



این موضوع می‌کند که مدل برگزاری انتخابات، ساختارهای مردم نهاد و مدل بیان اعتراض متناسب با نیاز امروز جامعه ایرانی بروز نشده و در یک کلمه بستر مناسبی برای مشارکت مردمی به عنوان دومین و مهمترین ساحت مردم سالاری دینی فراهم نشده است. از بین این سه مرحله، مرحله اول یعنی انتخاب مسئولین می‌تواند بر دو مرحله دیگر تاثیر بگذارد و آن‌ها را سخت‌تر یا سهل‌تر نماید؛ مدل برگزاری انتخابات که اصطلاحاً نظام انتخاباتی نامیده می‌شود در کشورهای گوناگون متفاوت و بر اساس نیازهای سیاسی و اجتماعی است اما به طور کلی آن‌ها در سه دسته‌ی اکثریتی، تناسبی و مختلط دسته بندی می‌کنند؛ در مدل اکثریتی فرد یا گروهی که بیشترین میزان رای را داشته باشد صاحب کرسی قدرت می‌شود؛ در مدل تناسبی انتخابات باید بر اساس نظام احزاب یا حداقل گروه بندی سیاسی باشد و هر گروه بسته به درصدی که رای آورده صاحب کرسی می‌شود و به این صورت همه گروه‌ها در قدرت صاحب کرسی خواهند بود؛ مدل مختلط نیز ترکیبی از این دو مدل است به این صورت که برخی از کرسی‌ها با روش اکثریتی پر می‌شود و برخی دیگر با روش تناسبی.

هر یک از این سه روش براساس تقسیم مناطق جغرافیایی اخذ رای و نحوه اجرا، خود به مدل‌های جزئی‌تر بشمار می‌شود تقسیم می‌شود تا جایی که می‌توان گفت به اندازه تعداد کشورهای موجود مدل انتخاباتی وجود دارد و این مدل‌ها در انتخابات‌های گوناگون از انتخابات پارلمان گرفته تا شورای شهر و ریاست جمهوری قابل پیاده سازی است؛ در حال حاضر در کشور ما تمامی انتخابات‌ها با مدل اکثریتی برگزار می‌شود.



بر ایجاد برد و باخت و تعلق گرفتن تمام کرسی‌ها به یک طیف که برنده انتخابات محسوب می‌شود ناشی از همین مدل اکثریتی است در حالی که با دغدغه‌ی افزایش کمیت و کیفیت مشارکت، مدل تناسبی، الگوی بهتری است که باعث می‌شود هر طیف به اندازه اقبالی که مردم به آن‌ها نشان دادند صاحب کرسی شوند در مثالی که از انتخابات دهم مجلس زدیم چنانچه الگوی نظام انتخاباتی در تهران تناسبی بود اصلاح طلبان صاحب ۶۰ درصد کرسی‌ها و اصولگرایان صاحب ۴۰ درصد کرسی‌ها می‌شدند و تضارب آرا در مجلس اتفاق می‌افتاد حال آنکه مجلس نهم ما اصولگرا و مجلس دهم ما اصلاح طلب بود که این تفاوت نهاد پارلمان را در سطح تصمیم‌گیری دچار آسیب می‌کند. نظام انتخاباتی مختلط یا ترکیبی که در واقع حاصل ترکیب دو مدل اکثریتی و تناسبی است شرایط را برای گذار به الگوی بهتر برگزاری انتخابات فراهم می‌کند به این صورت در برخی از شهرهای تک یا دو نماینده، همچنان همان الگوی اکثریتی استفاده شود اما در شهرها یا به عبارت بهتر حوزه‌های انتخاباتی (اکثرا استان‌ها) که چند نماینده در مجلس دارند الگوی تناسبی به کار بسته شود.

چراکه الگوی تناسبی در حوزه‌ای قابل پیاده سازی است که چند نماینده وجود داشته باشد و بتوان بین آن‌ها تناسبی برقرار کرد؛ دقیق‌تر شدن لیست‌ها یا گروه‌های سیاسی که در قبال افرادی که به مجلس می‌فرستند پاسخگو باشند از دیگر مزایای این الگوی انتخاباتی است که به شناسنامه دار شدن افراد سیاسی می‌انجامد و باعث می‌شود افراد مانند مجلس دهم نتوانند از گمنامی خود و قرار گرفتن در لیست‌های شاخص سود ببرند.



منابع عکس ها : https://tejaratnews.com/

نظارت ناکارآمد بر قوه‌ی ناظر



اسماعیل کوهی مقدم
(کارشناسی فیزیک)

مرداد ماه امسال بود که دو نماینده مجلس، هر دو از اعضای کمیسیون صنایع، به اتهام اخلال در بازار خودرو و طلا بازداشت شدند. فارغ از انبوه واکنش‌های مثبت و منفی به این اتفاق یک ویژگی آن را نسبت به بازداشت‌های معمول مسئولین، متمایز می‌کرد. طبق اصل ۸۶ قانون اساسی و ماده ۷۷ آئین نامه داخلی مجلس، نمایندگان مجلس در ایفای وظایف نمایندگی دارای مصونیت قضائی هستند و تشخیص حوزه ایفای نمایندگی بر عهده‌ی هیئت نظارت بر رفتار نمایندگان است. هیئت مذکور در خصوص این دو نماینده، عملکرد آنها را خارج از ایفای وظایف نمایندگی تشخیص نداد و به نظر میرسد تعقیب قضایی آنها از دستور کار خارج شده است. این اتفاق و اتفاقات مشابه، از جمله نشر اکاذیب، توهین به مردم، استفاده از امکانات نمایندگی برای منافع شخصی و ... توسط نمایندگان مجلس و اذعان افکار عمومی به ناکارآمدی این مجلس، همگی لزوم بررسی ابعاد نظارت بر مجلس را یادآور می‌شوند. مجلسی که با وجود ظرفیت‌های قانونی بشمار و جایگاه قانون‌گذاری از حل مشکلات فعلی عاجز است. در ادامه ابتدا مختصری به مقوله‌ی مهار قدرت خواهیم پرداخت.

مهار قدرت

لزوم حکومت از یک سو و احتمال بالای انحراف قدرتمندان از سوی دیگر، اندیشمندان را به تلاش در جهت یافتن راه‌هایی برای مهار قدرت و کاهش

آسیب‌های ناشی از آن واداشته است. حتی در حکومت‌های غیردموکراتیک، حکمرانان خردمند هم به دنبال راه‌هایی برای مهار قدرت بخش‌های مختلف حکومت خود بوده و هستند تا حکومت را در جهت اهداف خود هدایت کنند. بدیهی است مهار قدرت در نظام‌های مردم‌سالار از جایگاه بسیار ویژه‌تری برخوردار است. در مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی آمده: «قانون اساسی تضمین‌گر نفی هر گونه استبداد فکری و اجتماعی و انحصار اقتصادی می‌باشد و در خط گسستن از سیستم استبدادی، و سپردن سرنوشت مردم به دست خودشان تلاش می‌کند».

به طور کلی دو نوع مهار قدرت را میتوان متصور بود: درونی و بیرونی. اسلام برای کسانی که در راس اداره امور جامعه قرار می‌گیرند ویژگی‌هایی - از جمله عدالت، عقل، تقوا، علم و آگاهی - را در نظر گرفته است که عامل کنترل‌کننده از سرکشی، لغزش و کم‌کاری است و محاسبه و مراقبه خود شخص این مهار را ایجاد می‌کند. سوگندنامه‌ای که در اصل ۸۷ قانون اساسی برای نمایندگان مجلس ذکر شده در چارچوب توجه به مهار درونی قدرت است؛ نمایندگان مجلس سوگند یاد می‌کنند که ودیعه‌ای که ملت به آنها سپرده به عنوان امینی عادل پاسداری کنند و در انجام وظایف وکالت، امانت و تقوا را رعایت نمایند.

اگرچه مهار درونی بسیار خوب است و در بیشتر موارد کارایی بیشتری از نوع دیگر دارد اما هیچ گونه ضمانت اجرایی ندارد و نمی‌توان به آن بسنده کرد. لذا عقل

حکم می‌کند برای جلوگیری از ایجاد استبداد با ابزارهای دیگری صاحبان قدرت را مهار کرد.

مهار بیرونی قدرت از چهار طریق میسر است:

۱)راهکارهای ساختاری ۲)نظارت نهادها بر یکدیگر

۳)نظارت درون نهادی ۴)نظارت مردمی.

در ادامه توضیح اجمالی در مورد هریک و نسبت آن با مجلس شورای اسلامی ارائه خواهد شد.

۱)راهکارهای ساختاری:

مقصود از راهکارهای ساختاری این است که بر اساس قانون اساسی، سیستم حکومت به گونه‌ای طراحی شود که حرکت در چارچوب آن به خودی خود، زمینه مهار قدرت را فراهم نماید. به طور مثال، تفکیک قوا در جمهوری اسلامی (اصل ۵۷ قانون اساسی) در این چارچوب به اجرا درآمده است. سازوکار انتخابات مجلس یکی از بازوهای توانمند ساختار برای کنترل قدرت در مجلس است، که سیستم فعلی انتخابات، یعنی نظام انتخاباتی حداکثری، عموماً با حذف یک جریان سیاسی موجب انباشت قدرت برای جریان دیگر در مجلس میشود. ساختارهای درست و کارآمد از حیث ماندگاری، تاثیر و کم‌هزینه بودن مطلوب ترین راه در میان ابزارهای بیرونی هستند. ساختار انتخاب هیئت رئیسه مجلس و کمیسیون ها، شفافیت آراء و عملکرد نمایندگان و ... همگی از ابزارهای ساختاری هستند که بررسی آنها از حوصله این نوشته خارج است.

۲)نظارت نهادها بر یکدیگر:

کمی قبل به تفکیک قوا در جمهوری اسلامی اشاره شد، اما این تفکیک قوا از نوع نسبی است و نه مطلق. به این معنا که تمایز وظیفه‌ها پذیرفته شده، اما امکان نفوذ و نظارت قوا بر یکدیگر نیز وجود دارد. خود مجلس به وسیله‌ی وضع قوانین و روندها، از طریق حساب‌رسی دیوان محاسبات بر هزینه‌کرد بودجه، و با استفاده از استیضاح و سوال از اعضای قوه مجریه، بر ارکان مختلف نظام نظارت می‌کند، همچنین براساس اصل ۷۶ و اصل ۹۰ قانون اساسی، مجلس حق تحقیق و تفحص در همه امور را دارد و باید به شکایات از عملکرد قوای دیگر رسیدگی کند. به عبارت بهتر همه آنچه گفته شد نظارت ملت بر ساختار سیاسی کشور است که به وسیله نمایندگان آنان اعمال میشود، اما نظارت ملت بر ارکان نظام تا جایی به درستی اعمال می‌شود که مجلس خود به درستی به وظایف عمل کند.

براساس قانون اساسی شورای نگهبان از طریق تائید صلاحیت نامزدهای انتخابات مجلس و بررسی مصوبات مجلس بر مجلس نظارت دارد. از طرفی با توجه به اطلاق اصل ۱۱۳ قانون اساسی، برخی معتقدند رئیس جمهور، نه بعنوان رئیس قوه مجریه بلکه به عنوان نفر دوم ساختار سیاسی کشور، میتواند برای اجرای درست قانون اساسی به مجلس نظارت کند. در آخر، قوه قضائیه هم در موارد خارج از حوزه ی وظایف نمایندگی به تخلفات و اتهامات نمایندگان رسیدگی می‌کند.

در مورد اول نقش شورای نگهبان چه در «احراز عدم صلاحیت» چه در بررسی مصوبات مجلس، یک نقش سلبی برای جلوگیری از انحراف کلی و آشکار مجلس و روند قانون‌گذاری کشور است، در مورد دوم قانون اساسی به جزئیات بیشتری نپرداخته و عملاً راه قانونی برای اعمال این نظارت پیش‌بینی نشده، در مورد سوم نیز بررسی تخلفات نمایندگان اساساً در خارج وظایف نمایندگی تعریف میشود که تشخیص آن نیز بر عهده خود مجلس(کمیته نظارت بر رفتار نمایندگان) است. اینکه اعمال اقتدار از سوی قوای دیگر نظام بر مجلس با محدودیت های زیادی روبه‌رو است نشان از قدرت مجلس و جایگاه بالای نمایندگان مردم در ساختار سیاسی کشور دارد تا آزادانه، از امانت ملت پاسداری کنند، پس به روشنی پیداست که اصلاح نمایندگان ناکارآمد از این طریق میسر نیست.

۳)نظارت درون نهادی:

کمیته نظارت بر رفتار نمایندگان، کمیسیون اصل ۹۰ و دیوان محاسبات سه نهادی هستند که از درون مجلس بر مجلس نظارت دارند. کمیسیون اصل ۹۰ همان‌گونه که از نامش پیداست، طبق اصل ۹۰ به عملکرد قوای سه گانه (از جمله مجلس) نظارت دارد و به شکایات واصله رسیدگی می‌کند. دیوان محاسبات مسئول حسابرسی از هرجایی است که به نحوی بودجه کشور در آن خرج میشود لذا بر مسائل مالی مجلس نیز نظارت دارد. و اما کمیته نظارت بر رفتار نمایندگان، که در آغاز نیز از آن اسم به میان آوردیم و تمرکز بحث بر آن است، در سال ۹۱ (پس از دیدار مقام معظم رهبری با مجلس هشتم در سال ۸۹) در چارچوب قانون نظارت بر نمایندگان به تصویب مجلس درآمد و آغاز به کار کرد. این هیئت متشکل از ۷ نفر از نمایندگان مجلس است که «به منظور حفظ شأن و منزلت نمایندگان و نظارت درباره امور مربوط به دوران نمایندگی در ابتدای هر دوره مجلس شورای اسلامی برای همان دوره تشکیل می‌گردد». طبق ماده دوم همین قانون، این کمیته در خصوص «گزارش‌های واصله درباره سوء استفاده و تخلف مالی یا اخلاقی نماینده و درآمدها و هزینه‌های غیرمتعارف وی، گزارش‌های مربوط به رفتار خلاف شؤون نمایندگی، گزارش‌های واصله درباره اعمال خلاف امنیت ملی کشور و سایر اعمال مجرمانه از بُعد انتظامی، گزارش‌های هیأت رئیسه درباره غیبت، تأخیر و بی‌نظمی نماینده» باید رسیدگی های لازم را صورت دهد. طبق ماده ۶ همین قانون مجازات هایی برای نمایندگان متخلف در نظر گرفته شده که سنگین ترین مجازات ها در میان ۸ مورد ذکر شده عبارت است از: «کسر حقوق از یک ماه تا یک سال به میزان یک دوم»، «محرومیت از نامزدی برای عضویت در هیأت رئیسه مجلس و هیأت رئیسه کمیسیون‌ها» و «اعلام یک یا چند تخلف نماینده در جلسه علنی توسط رئیس مجلس»، باید اذعان کرد شاید به جز مورد آخر، سایر

مجازات ها به هیچ وجه دارای بازدارندگی لازم نیستند. احتمالاً اسم محمذباسط درازهی، نماینده سراوان را به خاطر داشته باشید که سال گذشته ماجرای فحاشی وی در اداره گمرک چند روزی در راس اخبار کشور قرار داشت و احساسات بسیاری از مردم را برانگیخت، هیئت نظارت دی ماه سال ۹۷ حکم وی را اعلام کرد؛ علیرضا سلیمی، عضو هیئت نظارت بر رفتار نمایندگان در این باره گفت: «به‌احتمال زیاد برای وی فقط بند الف و ب اعمال شود؛ یعنی تذکر شفاهی و کتبی به‌همراه درج در پرونده؛ البته کسر حقوق هم خواهد داشت.» بسیاری این حکم را ناامید کننده و عجیب تلقی کردند.

واکنش مجلس نسبت به دو نماینده متهم به اختلال در بازار خودرو (که در آغاز به آنها اشاره کردیم) نیز جالب توجه است و میتوان در این بخش به آن پرداخت. رئیس مجلس مدت کوتاهی پس از این اتفاق برای آنها پادرمیانی کرد، پس از آزادی به یکی از نمایندگان متهم در صحن مجلس تریبون داده شد و هیئت نظارت عملکرد آنها را - تنها پس از چند روز- خارج از ایفای وظایف نمایندگی تشخیص نداد. اینکه هیئت نظارت چگونه در خصوص همه ابعاد این پرونده به این سرعت پاسخ داده است خود محل مناغشه است، اما حتی در صورتی که هم هیئت نظارت هم دستگاه قضائی این نمایندگان را مجرم تشخیص میداد، به دلیل محدودیت های قانونی هیچ گاه عزل آنها از نمایندگی جزء گزینه‌ها نبوده است.

بررسی عملکرد کمیته اخلاق (ethics committee) کنگره ایالات متحده آمریکا میتواند اطلاعات خوبی در اختیار بگذارد. کمیته ای با شرح وظایف تقریباً مشابه با هیئت نظارت بر رفتار نمایندگان مجلس، اما کارنامه‌ای

سیار متفاوت. متشکل از ۱۲ نفر؛ ۶ نفر از نمایندگان حزب اکثریت و ۶ نفر از اعضای حزب اقلیت. این کمیته در تخلفاتی چون دریافت رشوه، فرار مالیاتی، سوءاستفاده از قدرت در جهت منافع شخصی، اعتراض های جدایی طلبانه، تمسخر سخنران جلسه، نوشتن لوایح جدایی طلبانه، زبان خارج از شان نمایندگی، اظهارات دروغ در کنگره و ... نمایندگانی را از نمایندگی عزل و تعداد بیشتری را در این خصوص مورد ملامت(censure) قرار داده است. تعداد زیادی از متخلفین هم پیش از آنکه موعد تصمیم گیری در خصوص آنها فرا برسد از سمت خود استعفا داده اند(که نشان از بازدارندگی مجازات دارد). گستردگی حوزه های ورود، اکتفا نکردن به «گزارش های واصله» و بازدارندگی مجازات ها از تفاوت های



جدی کمیته اخلاق کنگره آمریکا و هیئت نظارت است، که اصلاح آنها در هیئت نظارت میتواند گام‌های بلندی برای کارآمد کردن نظارت مجلس بر مجلس باشد.

۴)نظارت مردمی:

براساس قانون اساسی هریک از وزیران مسئول وظایف خاص خویش در برابر رئیس جمهور(اصل ۱۳۷)، رئیس جمهور مسئول اقدامات هیئت وزیران در برابر مجلس(اصل ۱۳۴) و رئیس قوه قضائیه مسئول اقدامات سازمان تحت امر خود است. اما در مورد مجلس شورای اسلامی چنین ساختاری وجود ندارد و هر نماینده فقط در برابر ملت مسئول است(اصل ۸۴).

انواع نظارت هایی که تا کنون به آن اشاره شد در حیطه خروج از وظایف نمایندگی یا انجام تخلفات است، اما نظام مردم‌سالار برای اعمال اقتدار ملت به کیفیتی فراتر از این ها نیازمند است، این سطح از کارآمدی تنها با نظارت دقیق مردم و مشارکت آنها میسر خواهد بود، که الزامات اولیه و بدیهی آن شفافیت آراء و عملکرد نمایندگان و افزایش ارتباط نمایندگان با مردم(چه نخبگان و تشکل ها و چه مردم عادی) است. در بیشتر نظام های دموکراتیک جهان و کشورهای توسعه یافته‌ی سیاسی، نه تنها آراء همه نمایندگان به صورت شفاف در اختیار عموم قرار می گیرد، بلکه سامانه هایی طراحی شده تا مردم اخبار عملکرد نماینده حوزه خود را دریافت کرده و بتوانند در خصوص آن اعلام نظر کنند و یا با ارتباط با سایر شهروندان کمپین هایی برای جهت‌دهی به نماینده خود ایجاد کنند. به طور

مثال میتوان به سامانه «They work for you» در کشور انگلیس اشاره کرد، یا به عنوان مثالی از ارتباط نمایندگان با مردم میتوان به جلسات «town hall meeting» اشاره کرد. در برخی کشورها از نامزدهای انتخاباتی تعهد

گرفته میشود تا تعداد جلسات مشخصی در ماه را به صورت عمومی در جلسات مردمی حاضر شده و به سوالات آنها پاسخ دهند. باید به تلخی اعتراف کرد، اعمال نظارت مردمی در اکثر موارد تنها در انتخابات ها (و آن هم بیشتر متأثر از رسانه‌ها) نمود دارد. اصلاح این وضع نه تنها بر سرمایه اجتماعی نظام می افزاید بلکه به کارآمد شدن نظارت بر سایر قوا و در نهایت به کارآمدی نظام می انجامد.

همانطور که بررسی شد، مهار قدرت در مجلس و خروج از رویکرد رخوت‌آلودِ فعلی آن، با فعال کردن ظرفیت های موجود ساختاری، اصلاح نظارت مجلس بر مجلس و تقویت نظارت مردم بر مجلس، به راحتی در دسترس است.



مهدی خطیب دماوندی
(کارشناسی ارشد حقوق عمومی)

بحث شفافیت یکی از پرتکرارترین و پرکاربردترین واژه‌هایی است که امروزه در بسیاری از جوامع بشری و کشور های دنیا از آن سخن گفته می‌شود. نه تنها مسئولان بلکه بسیاری از مردم و رسانه‌ها نیز فارغ از تفکرات سیاسی و جناحی خود از اهمیت و ضرورت شفافیت سخن می‌رانند و بر وجود آن تاکید می‌کنند و شفافیت را مفهومی بدیهی تلقی می‌نمایند. شفاف سازی و علنی کردن یکی از پایه‌های اصلی دموکراسی و جمهوریت است. از سوی دیگر، حق دانستن یکی از حقوق اساسی انسان است که در اصل ۱۹ بیانیه حقوق بشر نیز بر آن تاکید شده است و همه کشورها از جمله ایران آن را پذیرفته‌اند. حق دانستن، این مفروضه مهم را در خود دارد که آدمیان اساساً موجوداتی خردورز، دارای قوه دآوری و قادر به تشخیص صلاح خود هستند و از همین رو حق دارند از کیفیت تصمیماتی که با سرنوشت آن‌ها ارتباط دارد آگاه شوند. بر این اساس هرگونه رفتار قیّم مآبانه و مخفی کارانه نافی این اصل بنیادین است.

حق دسترسی به اطلاعات در بسیاری از کشورها به صورت رسمی پذیرفته و در قوانین آن‌ها درج شده است. گاه نیز این حق چنان بدیهی شمرده شده که نیازی به ذکر آن در قوانین دیده نشده است. این حق، استثنائاتی مانند رعایت منافع ملی می‌پذیرد ولی اینگونه استثناها را باید به شکلی تفسیر کرد تا به تعرض به حقوق شهروندان منجر نشود.

در اسلام نیز، معیار شناخت در همه قلمروها علم و یقین است و غیر از آن یعنی گمان، حدس و احتمال، هیچ یک قابل اعتماد نیست و انسان را بی‌نیاز از حق نمی‌کند. از این رو باید بسترهای لازم برای اطلاع رسانی در جامعه فراهم و تصمیمات در حوزه‌های گوناگون به صورت شفاف در اختیار مردم قرار گیرد. در این صورت است که تبعیت آگاهانه و همراه با تعقل مردم از حکومت که مورد تاکید اسلام است، شکل خواهد گرفت. بنابراین در آموزه‌های دینی، مردم باید آگاه از رویدادها باشند و مطابق با یک قاعده فقهی، اذن در شی‌اذن در لوازم و مقدمات آن نیز می‌باشد، از جمله مقدمات اصل شفافیت، حق دانستن و آگاهی مردم است.

همواره از گذشته‌های دور دسترسی و نظارت مردم بر

حلقه ی مفقوده ی نظام مردم سالار

پارلمان‌ها مدنظر سیاستمداران و حکمرانان بوده است و به همین دلیل معمولاً در پارلمان‌ها، محلی برای حضور مردم پیش‌بینی می‌شد تا مردم بتوانند از نزدیک نظاره‌گر مذاکرات و رویدادها باشند و با برقراری ارتباط با نمایندگان‌های شهر خود و ارائه پیشنهادات و انتقادات به‌طور غیرمستقیم در مباحث شرکت کنند. این رویکرد هرچند برگرفته از یک نگاه درست و عمیق به حق مردم در نظارت و پایش دائمی نمایندگان بوده است، اما به دلیل محدودیت‌های فیزیکی و اجرایی عملاً امکان حضور همه‌ی مردم در پارلمان و به تبع نظارت مردمی وجود ندارد.

نهاد قانونگذاری در جمهوری اسلامی ایران، مجلس شورای اسلامی می‌باشد که به عنوان مهم‌ترین نهاد مردم سالار که تجلی اراده عمومی مردم ایران است وظیفه خطیر قانونگذاری و نظارت بر اجرای قوانین را به دوش می‌کشد. ریل‌گذاری و خط‌مشی‌گذاری‌های مهم حکومت توسط مجلس شورای اسلامی تعیین می‌شود و دولت‌ها موظف به اجرای آنها هستند. مجلس شورای اسلامی برای رسیدن به جایگاه عالی خود به عنوان یکی از مهمترین نهادهای حکمرانی کشور لازم است هرچه بیشتر مؤلفه‌های یک پارلمان مطلوب را در خود تحقق بخشد تا با ارتقای هرچه بیشتر این شاخص‌ها، مسیر توسعه و پیشرفت کشور فراهم شود. در صورتی که مجلس شورای اسلامی به عنوان نهاد توزیع‌کننده اقتدارآمیز ارزش‌ها در جامعه، شاخص‌های توسعه‌یافتگی و پیشرفت را در خود ایجاد نکند و دارای مؤلفه‌ها و ویژگی‌های غیرتوسعه‌یافته باشد، نمی‌تواند از عاملان ایجاد توسعه در جامعه باشد.

یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که تمامی پارلمان‌های جهان مطابق با شرایط و مقتضیات خاص خود در خصوص انتشار یا عدم انتشار آن سیاست‌هایی وضع کرده‌اند، اطلاعات رأی‌گیری در پارلمان است. رأی هر نماینده در حقیقت نتیجه‌ی تمامی فعالیت‌ها و مطالعات او در خصوص طرح‌ها و لوایح مطرح شده است. لذا شفافیت آراء علاوه بر اطلاع مردم از عملکرد نمایندگان خود در مجلس شورای اسلامی، موجب خواهد شد تا نمایندگان نسبت به رأی خود پاسخگو باشند.

افزایش شفافیت و تقویت نظارت عمومی دو شاخص اصلی برای پارلمان مطلوب محسوب می‌شوند. در مجلس شورای اسلامی از دوره نخست تا دوره هفتم، رأی‌گیری با روش قیام و قعود و به صورت علنی انجام می‌شده است. بدین صورت که رأی هر نماینده به طرح‌ها و لوایح مشخص بوده اما جایی ثبت نمی‌شده است. از مجلس هشتم و پس از افزودن دستگاه‌های الکترونیکی، رأی‌گیری به وسیله‌ی دستگاه و به صورت مخفی صورت گرفت. درواقع با افزودن تجهیزات الکترونیکی علاوه بر افزایش سرعت و دقت در اخذ رأی از نمایندگان مجلس تغییر مهم دیگری نیز اتفاق افتاد که گویا کسی به این تغییر دقت نکرد. در رأی‌گیری با استفاده از تجهیزات به صورت ناخواسته تمام آراء مخفی شد و شفافیت اندکی که در رأی‌گیری از نمایندگان وجود داشت از بین رفت.

بر اساس گزارشی از اتحادیه بین‌المجالس (IPU) و گزارش جهانی مشترک دپارتمان امور اقتصادی و سیاسی سازمان ملل متحد و اتحادیه بین‌المجالس منتشره در سال ۲۰۰۸، پنج ویژگی همچون نمایندگی تنوع و تکثر جامعه، شفافیت، پاسخگویی، در دسترس بودن و مؤثر بودن به مثابه شاخصهای پارلمانی دموکراتیک نام برده شدند. اما به نظر در بررسی این شاخص‌های پنجگانه، نخستین گام، داشتن اطلاعاتی روشن و صریح از پارلمان است. بنابراین، شفافیت یکی از ویژگی‌های پنجگانه مجلس مردم سالار و مطلوب است. شفافیت پارلمانی علاوه بر تحقق حق ذاتی مردم در آگاهی داشتن و نظارت بر وکلای خود، سبب افزایش اعتماد عمومی به این نهاد خواهد شد. شفاف شدن امور پارلمانی، امکان اطلاع همه مردم از فرایند قانونگذاری و نظارت بر آن را پدید می‌آورد. این امر ضامن سلامتی و ارتقای بهره‌وری در پارلمان خواهد بود.

طرح شفافیت آراء نمایندگان نخستین بار توسط آقای محمدجواد فتحی، نماینده اصلاح‌طلب شهر تهران در هشتم آذر سال ۱۳۹۶ مطرح شد. در آن زمان هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی با بیان این موضوع که طرح‌های متعددی در دستور کار مجلس است، اعلام وصول این طرح را به تعویق انداخت. در هفده مرداد ۱۳۹۷ حسینی‌علی حاجی‌دلگانی دیگر نماینده مجلس مجدداً طرح شفافیت آراء نمایندگان مجلس را با ۲۹ امضا تهیه کرده و به هیئت رئیسه مجلس تحویل داد. سرانجام در توافق فی‌مابین حاجی‌دلگانی و فتحی، طرح فتحی در کنار تلاش حاجی‌دلگانی برای جلب حمایت نمایندگان، به هیئت‌رئیه مجلس تحویل داده شده و در تاریخ ۱۴ شهریور ۱۳۹۷ اعلام وصول شد. درمجموع با مطرح‌شدن این طرح، بیش از ۲۰۷ تن از

نمایندگان مجلس با روش‌های مختلف از طرح شفافیت آراء حمایت کرده و درنهایت طرح‌های ارائه‌شده با یکدیگر تلفیق شد و طرحی با نام «الحاق دو تبصره به ماده ۱۱۹ آیین‌نامه داخلی مجلس» که با عنوان «شفافیت آراء نمایندگان در مجلس» در فضای رسانه‌ای شناخته می‌شود، در جلسه علنی مجلس اعلام وصول شد.

مطابق این طرح، پیشنهاد شد در تمام مواردی که به موجب آیین‌نامه داخلی مجلس رأی‌گیری به عمل می‌آید و مصادیق آن در ماده ۱۲۱ مشخص گردیده، جهت اطلاع مردم اسامی نمایندگان موافق، مخالفت و ممتنع، منتشر شود. بدین منظور علاوه بر درج اسامی در مشروح مذاکرات، هیئت رئیسه موظف است نسبت به ایجاد سامانه الکترونیکی به طوری که قابلیت دسترسی به آن برای آحاد ملت فراهم باشد اقدام نماید.

همچنین در موارد استثنایی با تقاضای ۱۵ نفر از نمایندگان مجلس و با رأی موافق اکثریت مطلق حاضران، رأی‌گیری به صورت مخفی انجام می‌گیرد. در جلسه علنی چهارشنبه ۱۴ شهریورماه ۱۳۹۷ مجلس شورای اسلامی یک فوریت طرح شفافیت آراء نمایندگان را به رأی گذاشت و در نتیجه یک فوریت آن با ۵۹ رأی موافق، ۱۰۸ رأی مخالف و پنج رأی ممتنع از مجموع ۱۹۴ نماینده حاضر رد شد تا این طرح به‌صورت عادی در دستور کار مجلس قرار بگیرد.

طرح شفافیت آراء نمایندگان سرانجام در تاریخ ۷ آذرماه ۱۳۹۷ در کمیسیون آیین‌نامه داخلی تصویب شد اما مصوبه مذکور با طرح اصلی تفاوت بسیاری داشت، به‌گونه‌ای که شفافیت آراء نمایندگان را محقق نساخت. براساس نظر کمسیون آیین‌نامه داخلی، پیشنهاد گردید تا ضمن الحاق یک تبصره به ماده (۱۲۴) آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی، در تمام مواردی که به موجب این قانون رأی‌گیری به عمل می‌آید، صرفاً اسامی نمایندگانی که در هر مرحله در رأی‌گیری شرکت نمی‌کنند در مشروح مذاکرات و پایگاه اطلاع‌رسانی الکترونیکی مجلس، برای اطلاع عموم ثبت شود. به این ترتیب طرح شفافیت آراء از اساس دچار تغییر شد و از اهداف طراحان خود فاصله گرفت.

کارشناسانی که هم‌اکنون در اندیشکده‌ها و مرکز پژوهش‌های مجلس در حال تعامل با مجلس و نمایندگان هستند، انبوهی از ایرادات و مفاصل را در محرمانگی آراء شناسایی کرده‌اند که منجر به کاهش کیفیت رأی‌گیری در مجلس شده است. از جمله این اشکالات می‌توان به عدم مشارکت برخی از نمایندگان

مجلس در رأی گیری، بی اطلاعی برخی از نمایندگان از دستور جلسه، عدم مطالعه ی کافی نمایندگان پیرامون طرح ها و لوایح مطرح شده، تصویب بسیاری از طرح ها و لوایح بدون اعلام نظر بسیاری از نمایندگان ، رأی دهی نمایندگان بر اساس منافع شخصی یا حزبی، امکان فریب عموم مردم و عدم مسئولیت پذیری نمایندگان نسبت به آراء خود اشاره کرد.

طبیعی است که در شرایط محرم‌انگی نه رسانه ها، نه گروه های اجتماعی و نه شهروندان مسئول نمی توانند عملکرد نماینده را ارزیابی کرده و در راستای رسیدگی به منافع ملی و خیر همگانی مطالبه کنند. بنابراین نمایندگانی که بقای خود را در رأی گرفتن مجدد از حوزه انتخابیه می بینند به طور طبیعی به سمت ترجیح اولویت های محلی بر ملی سوق داده می شوند.

در یک جامعه مردم سالار ، کل حکومت و اطلاعات به مردم تعلق دارد و حاکمان و مدیران جامعه به طور مستقیم یا غیرمستقیم نماینده و وکیل مردم هستند. شفافیت، موضوعی محوری در مباحث کلان حکومت های مردم سالار و صلاح اداره عمومی است تا آن جا که دسترسی آزادانه به اطلاعات و علنی بودن آن را شرط مقدم مقابله با فساد و تقویت پاسخگویی مقام های عمومی دانسته اند.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز در اصول شصت و نهم و هشتاد و چهارم به درستی بیان می دارد که مذاکرات مجلس شورای اسلامی باید علنی باشد و گزارش کامل آن از طریق رادیو و روزنامه رسمی برای اطلاع عموم منتشر شود. همچنین هر نماینده را در برابر تمام ملت مسئول می داند و این مسئولیت موجب تعهد و پاسخگویی نمایندگان در برابر ملت می شود. با توجه به آنکه آرای نمایندگان موجب ایجاد حق و تکلیف برای هر شهروند می شود لازم است جهت فراهم شدن امکان ارزیابی مردم نسبت به میزان مسئولیت پذیری و پاسخگویی وکلای خود، آرایشان منتشر شود. بدین ترتیب قانون اساسی به عنوان بالاترین سند رسمی کشور ضرورت شفافیت پارلمانی را به عنوان یکی از ویژگی های مجلس مطلوب پیش بینی کرده است.

با این حال، هرچند شفافیت آرای نمایندگان یک مکانیزم کلیدی برای دستیابی به پاسخگویی بهتر مجلس است و سبب افزایش آگاهی مردم درباره عملکرد مجلس و در نهایت سبب افزایش سرمایه اجتماعی این نهاد حکمرانی در کشور می شود، اما تجارب سایر کشورها نشان می دهد که اجرای شفافیت آرای نمایندگان نیازمند بسترهای مناسب سیاسی و اجتماعی است تا بتواند پیشران یک حکومت مطلوب باشد. اگر این بسترهای سیاسی و اجتماعی فراهم نباشد ممکن است انتظارات به صورت مطلوب تحقق پیدا نکند یا با پیامدها و آثار نامطلوبی همراه باشد؛ از جمله اینکه زمینه پوپولیسم را در عملکرد مجلس تقویت نماید و نمایندگان برای جذب توده آرا در هنگام تعارض منافع میان منافع محلی و ملی به انتخاب گزینه محلی بپردازند. همچنین احتمال دارد با علنی شدن آرای نمایندگان، نگرانی از مورد تعقیب قرار گرفتن یا رد صلاحیت به دلایل سیاسی افزایش یابد و ازاین رو رفتار رأی دهی آنان را تحت تأثیر قرار دهد.

بنابراین، دشواری اصلی برقراری موازنه میان حفظ استقلال و آزادی نماینده در اعمال اختیارات و صلاحیت های خود از یک سو و پاسخگو بودن و مسئولیت پذیری نمایندگان به عنوان دارندگان اصلی مناصب عمومی از سوی دیگر است.

به راستی آیا با شفاف شدن آراء نمایندگان، آزادی عمل آن ها در ارائه نظرات کارشناسی و ترجیح منافع ملی بر محلی محدود می شود و نماینده که برای تداوم نمایندگی، خود را محتاج رأی مردم می بیند، رو به اقدامات عوام فریبانه برای جلب نظر مردم در حوزه ی انتخابیه می آورد؟ آیا شفافیت آراء در تمامی رأی گیری های مجلس شورای اسلامی، امری لازم و صحیح است؟ آیا شفاف شدن آراء نمایندگان موجب رد صلاحیت آن ها در انتخابات های بعدی توسط شورای نگهبان نخواهد شد؟ آیا در این صورت مصونیت حقوقی نمایندگان از بین نخواهد رفت؟



شفافیت یکی از اصول اداری از ویژگی های مردم سالار و به معنی در دسترس بودن تمامی اسناد مدارک و مقدماتی است که منجر به اتخاذ تصمیم میشود. در این مقاله در تلاشیم تا شفافیت پارلمان را در سه سطح هزینه های تبلیغاتی واموال و دارایی های نمایندگان و شفافیت آرا بررسی کنیم. به طور کلی نظارت بر ساختار های قدرت عمومی به دو دسته داخلی و خارجی تقسیم می شود. و شفافیت به دلیل اعمال آن از خارج ازساختار قدرت عمومی با همکاری رسانه ها از نوع نظارت بیرونی است و علی رغم نداشتن ضمانت اجراهای شدید به دلیل تأثیر گذاری بر افکار عمومی در جوامع دموکراتیک اهمیت ویژه ای دارد.

در زمینه هزینه تبلیغاتی انتخابات با دوقانون لازم الاجرا مواجه هستیم: ابتدا سیاست های کلی انتخابات که از سوی مقام معظم رهبری در راستای اجرای بند یک اصل ۱۱۰ قانون اساسی ابلاغ شده است و بند ۴ آن اشاره می دارد: در تعیین حدود و نوع هزینه ها ومنابع مجاز و غیر مجاز انتخاباتی شفاف سازی منابع و هزینه های تبلیغاتی داوطلبان وتشکل های سیاسی و اعلام به مراجع ذی صلاح و اعمال نظارت دقیق بر آن و تعیین شیوه و چگونگی برخورد با تخلفات مالی.

در راستای همین سیاست های کلی، مجلس شورای اسلامی در ۲۶ فروردین سال جاری در جریان بررسی طرح اصلاح موادی از قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی شفافیت مالی تبلیغات انتخاباتی نمایندگان مجلس را تصویب کرد.این دو قانون به یقین نقشه راهی برا انتخابات آینده است که در آن عدالت شفافیت و سلامت دیده می شود . چرا که شفافیت هزینه های انتخاباتی قطعاً جلوی رانت و فساد اقتصادی را خواهد گرفت.

سطح دیگر شفافیت اموال و دارایی های نمایندگان است. ظرفیت شفافیت در زمینه اموال و دارایی های مسئولین با وجود اصل ۱۴۲ قانون اساسی به صورت بالقوه وجود داشته است و اختیار این امر با رئیس قوه قضائیه است.در سال جاری سازوکار ثبت و اعلام عمومی اموال و دارایی های مسئولین توسط رئیس قوه قضاییه ایجاد شد و هم اکنون سامانه ثبت آن درحال فعالیت است اما نکته حایز اهمیت در خصوص آیین نامه اجرایی این اصل قانون اساسی، عدم ضمانت اجرا برای عدم ثبت اطلاعات و همکاری از طرف مسئولان است.

اما سطح سوم شفافیت که بر خلاف میل عمومی هنوز در کشور ما با مقاومت نمایندگان مجلس روبروست شفافیت آرای نمایندگان است. طرح شفافیت آرا طرحی

شفافیت حق مسلم ماست

است که مسئولیت پذیری، تعهد و پاسخگویی را پیامد ضروری رای نمایندگان می سازد و نظرات کارشناسی را جایگزین مخالفت و موافقت های یک سویه جناحی و سیاسی می کند و البته نقد و نظر کارشناسانه را بر سطحی نگری سیاسی اولویت می دهد. البته منظور از آرا همه عملکرد نمایندگان اعم از رای، ساعات فعالیت، متن سخنرانی ها و نظرات کارشناسی و به طور کلی همه آنچه یک نماینده در راستای انجام وظایف نمایندگی انجام می دهد.

متن طرح مذکور به این شرح است: تمامی شوراها، مجامع و نهادهای مؤثر در فرآیند قانونگذاری و همچنین نهادهای تصمیم گیرنده ای که دارای صلاحیت سیاست گذاری یا وضع قانون و مقررات هستند، از جمله مجلس شورای اسلامی، هیئت وزراء، مجمع تشخیص مصلحت نظام، شوراها ی عالی انقلاب فرهنگی و فضای مجازی، شوراها ی اسلامی شهر و روستا و خبرگان رهبری و شورای نگهبان موظف به علنی سازی رأی اعضاء و انتشار آن و مذاکرات در درگاه اینترنتی خود می باشند.

تبصره — در مورد مصوبات شورای عالی امنیت ملی، این اقدام پس از رفع مراحل طبقه بندی قابل انجام است با وجود علنی بودن عموم جلسات مجلس و پخش از رسانه های مختلف اما جزئیات رای و نظر نمایندگان و تعداد آرای هر نماینده و رای قطعی و صادر شده آنها مشخص نیست، و برای ارزیابی عملکرد هر نماینده علاوه بر ساعات حضور و فعالیت، آرای صادر شده او نیز حائز اهمیت است. چنین شفافیتی از عدم شرکت فعال نمایندگان در بحث ها و رای گیری ها جلوگیری می کند و با ارائه نظرات دقیق و کارشناسی شده شاهد مصوبات کارآمد تری خواهیم بود.

مخالفان این طرح به دو دسته تقسیم می شوند.گروه اول آشکار شدن همه نظرات و آرای نمایندگان را موجب تضییع حقوق نمایندگان و ایجاد مزاحمت برای آنان و همچنین فضا سازی های سیاسی می دانند که البته استدلال فوق به دلیل مصونیت نمایندگان در انجام وظایف نمایندگی شان بی اساس است.

گروه دوم مخالفان این طرح را ناقص می دانند و طرح جامع تری را پیشنهاد می کنند که علاوه برشفافیت عملکرد نماینده در داخل مجلس شفافیت وظایف و عملکرد آنها در ماموریت ها و سفر ها را نیز اعم از هزینه سفر ها، علت سفر و نتیجه را ضروری می دانند. سخن آخر اینکه تصویب نشدن این طرح نشانگر حمایت ظاهری وکلای مردم از شفافیت و مقابله با خواست عمومی مردم است و ضرورت وجود چنین شفافیتی شاید بیش از همه در همین طرح که با ۱۹۰ امضا به صحن آمداما تنها ۶۹ رای موافق کسب کرد، مشخص می شود.



رویای استکبار ستیزی

سخن آخر

ما شریک غم همه مظلومین جهان هستیم. و پشتیبان همه مظلومان جهان. باید مظلومان جهان که هستند خودشان قیام کنند بر ضد مستکبرین؛ مستضعفین نباید بنشینند که دولت‌هایشان این کار را بکنند؛ خودشان انجام بدهند.^۱

از ابتدای انقلاب دو تفکر متفاوت در مورد انقلاب اسلامی وجود داشته است؛ برخی معتقدند انقلاب اسلامی همانند سایر انقلاب‌های جهانی در یک مقطع زمانی و جغرافیایی خاص به وقوع پیوست، تمام شد و جمهوری اسلامی مستقر شد؛ حال این جمهوری اسلامی است که باید راه را ادامه دهد و مثل بقیه کشورها با مسائل و چالش‌های خود دست و پنجه نرم کند. عقیده‌ی دوم، انقلاب اسلامی را مانند گیاهی می‌داند که در گلدان جمهوری اسلامی روییده و پرورش یافته است و نه تنها انقلاب به مثابه‌ی گیاه داخل این گلدان در حال رشد است بلکه جمهوری اسلامی به مثابه‌ی گلدان این گیاه باید خود را موسع کند تا ظرفیت نگهداری و تحمل بزرگی این گیاه (انقلاب) را داشته باشد. نگاه اول تفکر انقلابی را به درون مرزهای کشور محدود می‌کند و مجال تفکر وسیع و جهانی را از انسان سلب می‌کند؛ در حالی که نگاه دوم، جهان را مانند یک دهکده‌ی بزرگ می‌داند و در تلاش است تفکر خود را در تمام نقاط این دهکده تسری دهد. هدف اصیل انقلاب از ابتدا همین بود که نهضت خمینی را وسیله‌ای برای گسترش تفکر انقلابی در دنیا و آماده کردن این دهکده برای پذیرش ولایت امام زمان می‌دانست. البته تفکر اول (مبنی بر محدود بودن در مرزها) در بین سیاستمداران و متفکران هیچ گاه از بین نرفته است و همچنان عده‌ای در تلاش‌اند تا تفکر اصیل انقلابی را محدود به مرزهای کشور کنند که فعلیت یافتن این هدف همانا و ذبح شدن انقلابی‌گری همانا. به نظر می‌رسد این تفکر یکی از ریشه‌ای‌ترین عوامل به رکود کشیده شدن قوای سه‌گانه به خصوص مجلس شورای اسلامی است.

امروز، مجلس ما به حدی از وادادگی رسیده است که نمایندگانش با فلان شخصیت سیاسی خارجی سلفی

«به من گزارش دادند که در همین قضایای اخیر، کنگره‌ی آمریکا -این آمار جالبی است- در سالهای ۹۶ و ۹۷، ۲۲۶ طرح و لایحه علیه جمهوری اسلامی، یا تصویب کرده، یا ارائه کرده! ۲۲۶ طرح ضدیت و خباثت علیه جمهوری اسلامی؛ شرارت است دیگر. حالا البته اینجا من یک گله‌ای هم از مجلس خودمان بکنم: مجلس شورای اسلامی خودمان چند طرح و لایحه در مقابل خباثت‌های آمریکا ارائه کرده‌اند یا تصویب کرده‌اند؟»^۲

^۱ صحیفه امام، جلد ۱۴، ص ۱۳۹

^۲ بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم رضوی - ۹۸/۱/۱ (پس از گذشت حدود ۹ ماه از این سخن همچنان تعداد مصوبات مجلس در این زمینه به تعداد انگشتان یک دست هم نمی‌رسد!)



انقلابی

دل به انقلاب داده باشد و
انقلاب را به معنای واقعی
کلمه پذیرفته باشند



کارآمد

می‌گیرند، درونش افرادی پیدا می‌شوند که دست رییس قوه‌ی مجریه را می‌بوسند! قوه‌ی مجریه ای که باید بر آن نظارت کنند! مجلسی را شاهدیم که یکی از عقب مانده ترین مجلس‌ها در قوانین مهاجرتی و شفافیت است و عده‌ای درونش در رای‌گیری برای محکومیت رژیم صهیونیستی رای منفی می‌دهند. ممکن است این اتفاقات اکثریت نمایندگان مجلس را شامل نشود ولی مشاهده‌ی حتی یک مورد از این نوع رفتارها نیز در مجلسی که ادعای اسلامی بودن دارد نگران کننده است. برای همچون مجلسی صحبت کردن از استکبار ستیزی که لازمه اش قدرتمندی و عزت است شبیه یک رؤیا است. چگونه از همچون مجلسی می‌توان انتظار تصویب لایحه ای علیه آمریکا و نوچه هایش داشت؟ چگونه می‌توان انتظار داشت که به صدای اسلام در مقابل قانونی شدن همجنس‌بازی بدل شود؟ چگونه می‌توان انتظار حمایت کارآمد و گسترده از مسلمانان مظلوم سایر کشورها را داشت؟

نخستین قدم برای بهبود این وضعیت در دستان من و شما قرار دارد. با تمام ضعف‌هایی که در ساختار انتخاباتی ما وجود دارد، همچنان مردم پر رنگ ترین نقش را در انتخاب آینده دارند. لازمه‌ی به ظهور رساندن استکبارستیزی در مجلس انتخاب افرادی است که بزرگ می‌اندیشند، ترسی از مورد حمله و شماتت قرار گرفتن توسط مستکبرین ندارند، مردم را با مشغول کردن به مسائل کم اهمیت فریب نمی‌دهند و روحشان مثل خمینی بلند است و خریدنی نیستند. ما نمایندگان می‌شویم چون شهید دیالمه می‌خواهیم که با نگاه نافذ و آینده نگرشان ۴۰ سال دوم انقلاب را با تصمیم‌های درست از هم اکنون بسازند.



مؤمن

ایمان از کج روی و انحراف
جلوگیری میکند و نمیگذارد
وسوسه‌ها در انسان اثر بکند



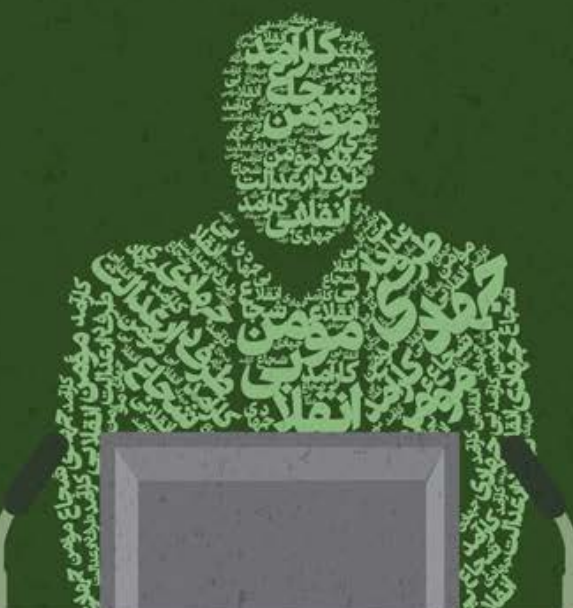
دارای روحیه‌ی جهادی

شب و روز نشناسد



طرف‌دار عدالت

به معنای واقعی
کلمه دنبال عدالت
اقتصادی عدالت
حقوقی و عدالت
سیاسی باشد



چه کسی را انتخاب کنیم؟

«هرگز در هیچ انتخاباتی رسم بنده نیست
که اشاره کنم به کسی تا انتخاب بشود، اما
این خصوصیات به نظر من در منتخب باید
وجود داشته باشد» ۹۸/۱۱/۱۶

#انتخاب قوی / ایران قوی

KHAMENEI.IR



شجاع

نماینده‌ای که از حرف
زدن علیه فلان قدرت
خارجی می‌ترسد، لایق
نیست. باید شجاعانه،
البته مدبرانه و عاقلانه
عمل کند

اگر می‌توانیم یک چنین افرادی را بشناسیم، که بهشان رأی میدهیم؛ اگر نشناختیم، از آدم‌های بصیر و مورد اعتماد استفاده کنیم. کسی نگوید «من که نمی‌شناسم، نمیدانم، پس بهتر است که رأی ندهم»؛ حتماً رأی بدهید، منتها به افراد بصیر و مورد اعتماد مراجعه کنید؛ اگر راهنمایی کردند، راهنمایی‌شان را قبول بکنید.



انجمن اسلامی دانشجویان
دانشگاه شهید بهشتی
(عضو دفتر تحکیم وحدت)

راه ارتباطی با ما



@AnjomanEsmlame_SBU



@DiD_No_SBU

،هر کسی که امنیّت کشور را دوست دارد، هر کسی که حل شدن مشکلات کشور را دوست دارد
هر کسی که گردش نخبگانی صحیح را در کشور دوست دارد باید در انتخابات شرکت کند؛
همه باید شرکت کنند

امام خامنه ای
۱۳۹۸/۱۱/۱۶

پیشنهادهات و انتقاداتتان را با ما در میان بگذارید.